

آموزه‌های هرناوندو دسوتو
در تضمین حقوق مالکیت و رسمی کردن کسب‌وکار
(درس‌هایی برای اقتصاد ایران)

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۱.....	مقدمه.....
۴.....	۱. تاریخچه اقتصادی آمریکای لاتین در قرن بیستم.....
۷.....	۲. معرفی هرناندو دسوتو و اقتصاد غیررسمی.....
۱۵.....	۳. تأسیس مؤسسه آزادی و دموکراسی در پرو.....
۱۹.....	نتیجه‌گیری.....
۲۱.....	منابع و مأخذ.....



آموزه‌های هرناندو دسوتو در تضمین حقوق مالکیت و رسمی کردن کسب‌وکار (درس‌هایی برای اقتصاد ایران)

چکیده

این نوشتار، به معرفی اندیشه‌های هرناندو دسوتو، اقتصاددان شهیر پرویی، اختصاص دارد. مطالعات و آثار وی یکی از مهمترین منابع درخصوص محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود. در این نوشتار ابتدا به ذکر زمینه تاریخی - جغرافیایی آمریکای لاتین، به‌ویژه در قرن بیستم، پرداخته شده است. سپس دیدگاه‌های دسوتو مندرج در کتاب «راه دیگر» تبیین شده است. در کتاب مذکور، بر اهمیت حقوق مالکیت و کارویژه اساسی آن در جوامع درحال توسعه تأکید شده است. همچنین اندیشه‌های وی در کتاب «راه سرمایه» راجع به کارکرد اقتصاد غیررسمی یا خارج از قانون و ضرورت جدی گرفتن این بخش توسط دولتمردان در تنظیم سیاست‌های اقتصادی، از دیگر موضوعات مورد بررسی این نوشتار محسوب می‌شود.

مقدمه

هرناندو دسوتو^۱ که اصلیت پرویی دارد، مدارک تحصیلی عالی خود در رشته اقتصاد را در کشور سوئیس دریافت کرد و در همان جا به استخدام سازمان تجارت جهانی

گات) درآمد. او پس از برپایی دمکراسی در پرو در سال ۱۹۷۹ به این کشور بازگشت و در جریان تأسیس یک شرکت معدنی، با موانع قانونی انجام کسب‌وکار در پرو از نزدیک برخورد کرد. دسوتو از مهمترین اندیشمندان و نویسندگان معاصر جهان است که مسیری جدید برای رسیدن به توسعه اقتصادی ارائه داده و در طی تقریباً سه دهه گذشته به درک جهانی حقوق مالکیت و توسعه نهادهای بازار کمک‌های ارزشمندی ارائه کرده است. او حضور فعالی در رسانه‌های خبری جهان دارد و تأثیری قوی بر سیاست عمومی^۱ در پرو و سایر کشورهای درحال توسعه داشته است.

دسوتو با قدم زدن در خیابان‌های لیما و نه با تجزیه و تحلیل آمار و ارقام رسمی، متوجه شد که فقرای آمریکای لاتین، چگونه مشکلات خود را به صورت دمکراتیک و خارج از اقتصاد قانونی (رسمی) حل کرده و یک اقتصاد خصوصی و موازی را به شکل آزاد و فاقد مقررات مزاحم رسمی سازماندهی می‌کنند. او با مشاهده مستقیم جامعه پرو و پژوهش در رشد سکونتگاه‌های خارج از قانون در مناطق همیاری‌گری، طرز سازماندهی دست‌فروش‌های خیابانی و طرز کار شبکه حمل‌ونقل مسافران شهری، استدلال‌های خود را بسط داده است.

نخستین کتاب وی، «راه دیگر» که به این موضوعات اختصاص دارد، کتابی پرفروش در پرو و در سطح جهان شد. این کتاب پیام خوشبینانه‌ای داشت که چگونه می‌توان بر توسعه نیافتگی و فقر غلبه کرد. مفهوم اصلی که دسوتو در کتاب راه دیگر



بر آن انگشت می‌گذارد «غیررسمی بودن»^۱ است؛ یعنی آن دسته از فعالیت‌های مولد و درآمدزایی که قوانین و مقررات رسمی را زیرپا می‌گذارد، اما معیارهای اخلاقی مرسوم را نقض نمی‌کند. وی در این کتاب، موانع رشد بخش خصوصی را که تا آن زمان برای سایرین قابل مشاهده نبود، شناسایی کرده است. او موانع اصلی را در ضعف یا فقدان نهادها می‌بیند: نهادهایی مثل حقوق مالکیت، حقوق قراردادهای بازارهای مالی و نظام قضایی مورد احترام که نایاب و ضعیف بودن آنها در جهان سوم، باعث شده است بازارهای این کشورها به نحو کارآمد عمل نکنند. نبود چارچوب نهادی مستحکم در جهان سوم به این معناست که پتانسیل کارآفرینی ملت‌ها تقریباً دست نخورده باقی می‌ماند. دسوتو از نیروهای بازار آزاد و بخش خصوصی حمایت می‌کند و بر کارآفرینی، نوآوری فنی و پویایی ذاتی اقتصاد بدون برنامه تأکید دارد. بررسی‌های وی نشان داد دولت‌های پرو هر سال حدود ۲۸۰۰۰ قانون و آیین‌نامه جدید تولید می‌کنند. نکته دردآور اینکه این باتلاق قانونی رو به گسترش به هیچ وجه به دغدغه‌های مردم عادی پرو که اکثریتشان فقیر بوده و در حلبی‌آبادهای حاشیه شهرها زندگی کرده و عمدتاً در خارج از قانون فعالیت می‌کردند بی‌توجه بود.

او معتقد است اکثر مشکلات کشورهای جهان سوم از خارج قابل حل نیست. به بیان دیگر کاری از دست غربی‌ها برنمی‌آید، چراکه راه‌حل‌ها موضوعاتی محلی و داخلی هستند. او به شدت سعی می‌کند با رهبران کشورهای جهان سوم گفتگو کند، زیرا معتقد است کلیت مشکلات این کشورها شباهت زیادی به هم دارد. ایده‌های

دست‌و‌تو که عمدتاً در حوزه اقتصاد و مرتبط با سیاست و حقوق است به مقررات‌زدایی، بوروکراسی‌زدایی و ساده‌سازی می‌انجامد. بانک جهانی نیز با اجرای پروژه «انجام کسب‌وکار»^۱ به صورت سالیانه، سعی در عملیاتی کردن اندیشه‌های دست‌و‌تو در سرتاسر جهان داشته است.^۲

۱. تاریخچه اقتصادی آمریکای لاتین در قرن بیستم

منطقه آمریکای لاتین، نقش مهمی در پیشبرد نظریه توسعه و توسعه‌نیافتگی داشته است و نظریه‌پردازان بزرگی از قبیل کاردوسو، فورتادو و پریش در آنجا ظهور کردند. این افراد طرفدار ایدئولوژی‌های نئومارکسیستی، همبستگی جهان سوم و کینزین بودند. آمریکای لاتین تا دهه ۱۹۸۰ صحنه آزمایش دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق راهبرد صنعتی شدن جانشینی واردات بود و نقشی پیشتاز در عرصه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نظریه وابستگی در جهان سوم ایفا کرد. پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کوبا و در منطقه حیاط خلوت ایالات متحده، موجب هراس آمریکا از سرایت آن به سایر کشورهای منطقه شد. به این ترتیب موج کمک‌های آمریکا تحت عنوان «اتحاد برای پیشرفت» به آمریکای لاتین سرازیر شد. این

1. Doing Business Project

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره به دو منبع ترجمه شده زیر از انتشارات بانک جهانی نگاه کنید:

احمد میدری، و اصلان قودجانی (۱۳۸۷)، سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار، انجمن مدیران صنایع، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی تهران و دیانکوف، سیمون و کارالی مکلیش (۱۳۸۶)، فضای کسب‌وکار: ایجاد فرصت‌های شغلی، ترجمه جعفر خیرخواهان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



منطقه در مقایسه با اکثر کشورهای آفریقایی و آسیایی، از سابقه طولانی‌تر استقلال سیاسی، سطح بالاتر تحصیلات، تعداد بیشتر کارشناسان توسعه، تولید سرانه بالاتر، شبکه حمل‌ونقل پیشرفته‌تر و میزان شهرنشینی بیشتر برخوردار بود. به طوری که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به نظر می‌رسید آمریکای لاتین، رهبری توسعه اقتصادی را در جهان سوم در دست بگیرد. حتی زمانی در دهه ۱۹۳۰ تصور می‌شد آرژانتین و اروگوئه به جایگاه «کشورهای توسعه‌یافته» نزدیک شدند و در دوره ۱۹۶۴ - ۱۹۷۳ کشور برزیل با نرخ‌های رشد بالا و پایا، لقب «معجزه اقتصادی» گرفت، اما به تدریج و خصوصاً از اواسط دهه ۱۹۷۰ تجربه توسعه اقتصادی این کشورها به بن‌بست رسید و بحران‌های مختلف مثل حجم عظیم بدهی خارجی، فرار سرمایه‌ها به خارج، واردات عظیم مواد غذایی، تورم افسارگسیخته، فساد مالی، ناآرامی و خشونت سیاسی را تجربه کردند. با پیدایش چهار ببر آسیا (کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور) و روند صنعتی شدن شتابان فقیرترین کشورهای آسیا، جاذبه آمریکای لاتین برای مطالعات توسعه بین‌الملل از بین رفت.

دهه ۱۹۸۰ در آمریکای لاتین به «دهه از دست رفته» لقب گرفت و حتی عده‌ای آمریکای لاتین را در کنار آفریقا قرار دادند که عنوان «تاریک‌ترین قاره» در عرصه توسعه اقتصادی نام گرفته بود. آمریکای لاتین با اینکه ۸ درصد جمعیت جهان را داشت، بیش از ۴۰ درصد بدهی‌های جهان را متعهد شده بود و بیشتر کشورهای آن از جمله، السالوادور، هائیتی، نیکاراگوئه، بولیوی و پرو در بحران‌های اقتصادی و سیاسی حل‌نشدنی گرفتار شدند.

در محافل جهانی توسعه و کمک اقتصادی، علت عقب‌ماندگی اقتصادی آمریکای لاتین اتکای افراطی به نظریه‌های وابستگی و آرمان‌های سوسیالیستی دانسته می‌شد، در حالی که شرق آسیا علاوه بر اتکا به راهبرد توسعه صادرات، از ویژگی‌های مثبت «اخلاق کاری»، «روحیه کارآفرینی» و پویایی و حرکت برخوردار بود. به‌طور مشخص اینکه، سیاست‌های غیرواقع‌بینانه، ایدئولوژی غیرعملی دولت‌گرایی، تشکیلات عریض و طویل دولتی و ضعف نهادی در تدوین و اجرای راهبرد توسعه ملی از دلایل مشکلات دیده می‌شد.

در بحبوحه بحث و جدل کارشناسان خارجی و سیاستمداران و تحلیلگران آمریکای لاتین بود که یک ایدئولوگ جدید و کارآفرین پرویی به نام هرناندو دسوتو در هیئت فردی نجات‌بخش ظاهر شد. دسوتو قطعاً از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، مهمترین و مشهورترین شخصیت آمریکای لاتین بوده است. اندیشه‌ها و نوشته‌های وی که مهمترین آنها درباره نقش دولت و مفهوم اقتصاد غیررسمی و «بخش خارج از قانون»^۱ بوده است، باعث شد تا بسیاری از فروض سنتی در ادبیات توسعه اقتصادی و اقتصاد کار زیر سؤال برود.

۱. «Extralegal» که مترادف با «Outside of law» است. دسوتو در نوشته‌های جدید خود به‌جای غیررسمی بودن از اصطلاح «خارج از قانون» استفاده می‌کند؛ به این دلیل که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند حالت رسمی داشته باشند، اما برای کاهش هزینه‌ها ترجیح دهند در بخش خارج از قانون فعالیت کنند.



۲. معرفی هرناندو دسوتو و اقتصاد غیررسمی

دسوتو در سال ۱۹۴۱ در شهر آرکویپا^۱ در جنوب شرقی پرو به دنیا آمد. او در سن هفت سالگی پس از وقوع یک کودتای نظامی در پرو، همراه پدر دیپلمات و بقیه اعضای خانواده به سوئیس گریختند. وی تحصیلات عالی خود را در رشته اقتصاد و حقوق در شهر ژنو به پایان رساند و سپس به عنوان اقتصاددان در سازمان گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) در سوئیس مشغول کار شد. سپس مدتی مدیرعامل یک شرکت مهندسی در آنجا شد. او در سن ۳۸ سالگی زمانی که اقتصاددان و کارآفرین موفقی شده بود به موطن خویش برگشت که گرفتار فقر، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و حکومت نظامیان بود.

وی درباره تاریخچه زندگی خود می‌گوید: «ورود من به مسائلی چون فقر، حقوق مالکیت و نظام بازار درست از زمانی آغاز شد که پس از اقامت طولانی مدت در اروپا برای تحصیل و کار، در جریان رفت و آمدهای مکرر به زادگاه خود در پرو، متوجه فقر شدید این کشور و آمریکای لاتین شدم. در آنجا دیدم که اقوام و دوستان پرویی من دقیقاً به اندازه دوستان اروپایی‌ام باهوش و زرنگ هستند. این‌گونه شد که از خود پرسیدم چرا با وجود یکسان بودن استعدادها، کشور پرو فقیر است و به این نتیجه رسیدم که باید پاسخ این پرسش را در امری جستجو کرد که چندان بدیهی و آشکار نیست». دسوتو از آن زمان به بعد علاقمند به درک علل فقر ملل جهان سوم و علت ثروت نسبی اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها و در مجموع جهان غرب می‌شود. او

1. Arequipa

نمی‌تواند پاسخ مناسب را در کتاب‌های کلاسیک و درسی اقتصاد بیابد. از این رو به فکر می‌افتد که باید به مشاهده مستقیم روی آورده و به میان مردم برود و در سن ۲۸ سالگی به اندازه کافی ثروت اندوخته بود که بتواند تمام وقت خود را وقف این‌گونه مسائل کند. او به صورت جدی به دنبال یافتن پاسخ بود و ذهنش را از حدس‌های معمولی «جنگ‌های طبقاتی» یا «نظریه هسته - پیرامون که کشورهای صنعتی، کشورهای توسعه‌نیافته را استثمار می‌کنند» خالی کرد.

دسوتو پاسخ از قبل آماده‌ای در ذهن نداشت و به دنبال اقتصاد غیررسمی نبود، اما سرانجام اقتصاد غیررسمی را پیدا کرد. او در کنار اقتصاد رسمی کاملاً دولتی، یک اقتصاد بازار پرجنب‌وجوش و نسبتاً کارآ یافت. در آمارهای رسمی به آن «بازار سیاه» می‌گفتند اما او تصمیم گرفت آن را اقتصاد غیررسمی بنامد تا بار معنایی منفی کمتری داشته باشد.

او دریافت که آنچه اجازه نمی‌دهد تا فقرا وضع زندگی خویش را بهبود بخشند قوانین پردردسر، پرهزینه و تبعیض‌آمیز دولتی هستند و نیز فقدان نهادهایی که در کشورهای ثروتمند بدیهی گرفته می‌شود، نهادهایی مثل حقوق مالکیت بر منابع اقتصادی، سازمان‌های تجاری قانونی بزرگ مقیاس برای بهره‌برداری از منابع و ابزارهای شناسایی و هویت‌بخشی که در بازارهایی گسترده و فراتر از مرزهای خانواده، دوستان و همسایگان به کار رود و به رسمیت شناخته شود.

مهاجران بیسواد و بدون مهارت روستایی که وارد شهرهای لیما می‌شدند با نظام بازتوزیعی به اصطلاح مرکانتیلیستی روبرو شدند که آنها را از مشارکت در



اقتصاد رسمی طرد می‌کرد. منظور نظام سیاسی - اقتصادی بود که علاقه‌ای به خلق ثروت جدید نداشت و هدف اصلی‌اش توزیع کیک اقتصادی موجود بین اقلیت فرادستان بود که نظام اداری نفوذناپذیر نیز به کمک آمده و اقتصاد رسمی و حمایت شده را محصور می‌کرد.

به این ترتیب آن کسانی که دیرتر وارد شهرها شدند نتوانستند از جایگاه ممتاز در اقتصاد برخوردار شوند و بدتر اینکه هیچ جایگاهی پیدا نکردند و شغل، حمل‌ونقل، مسکن یا حتی آب و غذا نداشتند. اینجا بود که غیررسمی‌ها دست به انقلاب زدند. آنها با «انقلابی آرام» به سمت راه دیگر یا همان اقتصاد غیررسمی پیشروی کردند. آنها برای حمایت از منافع خود به صورت خودجوش بازارهایی را ایجاد کردند. غیررسمی‌ها تا حد امکان با کارآیی عمل کرده و تمایل طبیعی‌شان به سمت انتخاب آدام اسمیت و اقتصاد بازار و نه کارل مارکس و اقتصاد دولتی بود.

غیررسمی‌ها از طریق تهاجم و اشغال یا معاملات غیرقانونی توانستند زمین به‌دست آورند، کسب‌وکار راه بیاندازند و مسیرهای اتوبوسرانی درست کنند. در جوامع آنها ضوابط خارج از قانونی وجود داشت که همگی داوطلبانه اطاعت می‌کردند چون آن ضوابط را به نفع خود می‌دیدند و توانستند خدمات عمومی کافی عرضه کنند، نظم و امنیت در جوامع خود برقرار سازند و نظام قضایی خاص هر خرده‌فرهنگ را طراحی کنند.

در پرو، دسوتو را پشتیبان آرمان‌های طبقه پایین و متوسط می‌دانند که منتقد گروه‌های با منافع خاص بوده و با تکنوکرات‌ها و گروه‌های هر دو جناح چپ و راست ارتباط دارد. فرادستان جامعه پرو، علاقه دسوتو به دست‌فروشان خیابانی، متصدیان

حمل و نقل و متصرفان زمین‌های شهری را اغلب نوعی همدلی افراطی با طیف بدنام و بی‌آبروی جامعه تبلیغ می‌کردند، اما اینک در پرو با دسوتو مانند یک فوق‌ستاره برخورد می‌شود و مورد احترام و علاقه بسیار زیاد مردم است. او از سال ۱۹۸۳ در صحنه رسانه‌ای حضوری فعال دارد و هزاران مقاله از کارهای وی در مجلات و روزنامه‌های معتبر جهان مثل فورچون، نیوزویک، فوربس، تایم، اکونومیست، وال‌استریت ژورنال، نیویورک تایمز، واشنگتن‌پست و لوس‌آنجلس تایمز چاپ شده است. مجله تایم، دسوتو را در ردیف صد شخصیت مشهور جهان و پنج رهبر بزرگ آمریکای لاتین در قرن بیستم جای داده است. دسوتو در کنار خاویر پرز دکویار (دبیرکل سابق سازمان ملل)، ماریا بارگاس لیوسا (رمان‌نویس مشهور پرویی)، و رؤسای جمهور فرناندو بلانده و الن گارسیا، یکی از پنج شخصیت مشهور پرویی در صحنه بین‌المللی شد. همچنین نام وی در فهرست نامزدهای نهایی دریافت جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۲ قرار داشت.

دسوتو نتایج پژوهش‌های خود را در سال ۱۹۸۶ در کتاب راه دیگر^۱ به زبان اسپانیایی منتشر کرد که جنجالی در جامعه پرو به راه انداخت. این کتاب که مبتنی بر پنج سال تحقیق و تحلیل بود نشان داد که اقتصاد پرو واقعاً چگونه کار می‌کند (یا به بیان درست‌تر اینکه چرا کار نمی‌کند). این کتاب در سال ۱۹۸۹ به زبان انگلیسی^۲ و پس از آن به بیست زبان دیگر نیز ترجمه شد و اندیشه‌های وی سیاستگذاری

1. El Otro Sendero

2. De Soto, Hernando (1989), *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, New York, NY: Harper & Row, p. 271; De Soto, Hernando (2002), *The Other Path: The Economic Answer to Terrorism*, New York: Perseus Books, p. 304.



اقتصادی را متحول ساخته است به طوری که اینک سازمان‌های بین‌المللی توسعه، حقوق مالکیت را شرط لازم برای رشد اقتصادی می‌دانند. کتاب راه دیگر بی‌تردید یک کتاب دوران‌ساز بود که ذهن و اندیشه روشنفکران و سیاستمداران دنیای غرب را نسبت به واقعیتی که در جهان سوم می‌گذرد و نهادهایی که در آنجا وجود دارد روشن ساخت.

تلاش‌های دسوتو همچنین به تهدیدهای مرگبار از سوی گروه تروریستی مارکسیستی «راه درخشان» منجر شد. خودروی وی هدف رگبار مسلسل قرار گرفت و دفاتر کارش بمب‌گذاری شد. او فقط یک اقتصاددان نظریه‌پرداز نیست، بلکه همچون یک فرد انقلابی عمل می‌کند. آنچه وی را به شوق و هیجان می‌آورد آن قدرت انقلابی است که او قصد تغییر جهان را اما به کمک اندیشه‌هایش و نه اعمال خشونت دارد. او یکبار گفت برای ایجاد تغییر، چرا باید خشونت دست بالا را داشته باشد؟ چرا نباید اندیشه‌ها برتری داشته باشند؟

دسوتو در کتاب راه دیگر برای درک بهتر موانعی که مهاجران برخورد کردند دولت‌ها و سیاست‌های پرو را با مرکانتیلیست‌های سده‌های ۱۵ تا ۱۹ میلادی اروپا مقایسه می‌کند. نظام مرکانتیلیستی (سوداگری) به دنبال افزایش رفاه اقتصادی از طریق کنترل‌های دولتی و ایجاد حقوق و امتیازات انحصاری بود. «دولتی بوروکراسی‌زده و قانون‌زده (مشحون از قانون) که بازتوزیع ثروت ملی را مهمتر از تولید ثروت می‌دانست».

پیام اصلی دسوتو این است که توسعه‌نیافتگی اقتصادی ناشی از بوروکراسی افراطی دولتی و ماندگاری نظام «مرکانتیلیستی» است؛ در این نظام، فرادستان تجاری

و مدیران دولتی در راستای منافع محدود خود، نظام و قوانین را دستکاری می‌کنند. او معتقد است با وجود مانع‌تراشی‌های بوروکراسی و مرکانتیلیسم، اکثر جمعیت با ابتکارهای بیشمار و پویایی کارآفرینی، راه خود را از طریق فعالیت در اقتصاد «غیررسمی» پیدا می‌کند. بخش غیررسمی کار و پیشه‌ای راه می‌اندازد، خدمات ارائه می‌دهد و از طریق طرح‌های ابتکاری شخصی، خانوادگی و دسته‌جمعی، به زمین، مسکن، حتی خدمات عمومی مثل حمل‌ونقل دسترسی پیدا می‌کند که جملگی خارج از اقتصاد «برنامه‌ریزی شده»، «تنظیم شده» و «مدیریت شده» دولتی است. دسوتو «غیررسمی‌هایی» را که «فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی» انجام می‌دهند با دیدی بسیار مثبت نگریسته و آنها را کارآفرین‌های با جرئت معرفی می‌کند که نقش عمده‌ای در اقتصاد ملی ایفا می‌کنند.

البته او اعتراف می‌کند که اقتصاد غیررسمی بهره‌وری پایینی داشته و شکل طبیعی انجام فعالیت‌ها نیست، اما فعالیت غیررسمی را مفید و مطلوب می‌داند. دغدغه وی بررسی، درک و بهبود کارآیی جهان به نحوی عینی است، به‌جای آنکه بخواهد مدل‌ها و مفاهیم اقتباس شده از خارج را با محیط پرو منطبق کند.

او انقلاب غیررسمی بودن را حرکت و راهپیمایی تدریجی غیررسمی‌ها به سمت نظام اقتصاد بازار آزاد و مالکیت رسمی می‌داند. از نظر دسوتو، غیررسمی بودن کلید بقا و موفقیت تعداد زیادی از مردم فقیر کشورهای جهان سوم است. او کسانی را غیررسمی می‌نامد که قوانین و مقررات رسمی را نادیده می‌گیرند یا عامدانه نقض می‌کنند تا امکان امرارمعاش پیدا کرده و نیازهای اساسی خود را تأمین نمایند. به‌نظر



وی، خارج از قانون بودن، جایی بین قانونی و رسمی بودن و «تبهکاری و مجرمیت» است؛ قانونی بودن یعنی وقتی همگان قوانین و مقررات را رعایت می‌کنند و تبهکاران اقداماتی انجام می‌دهند که آشکارا برخلاف قوانین رسمی، اصول اولیه اخلاقی و منافع عمومی است.

او غیررسمی بودن را واکنش توده‌ها به بوروکراسی بی‌معنی و خودپسندانه و نیز دستکاری نظام اقتصادی توسط گروه‌های ذینفع فاسد می‌نگرد. اگرچه غیررسمی بودن، رسماً «غیرقانونی» است، اما «غیراخلاقی» نیست؛ زیرا هیچ ضابطه اخلاقی بنیادین را نقض نمی‌کند و درواقع، انتخابی از سر اضطرار برای فقراست تا امرارمعاش کرده و نیازهای اصلی خود را تأمین کنند. به‌طور خلاصه، غیررسمی بودن زمانی وجود دارد که ابزارها نامشروع بوده اما اهداف مشروع هستند.

تحلیل‌های وی بر تلاش، ابتکار، سازماندهی، پویایی و کارآفرینی عامه مردم تأکید دارد. نسخه‌هایی که وی با تحلیل‌های خود تجویز می‌کند، بوروکراسی‌زدایی، مقررات‌زدایی، ساده‌سازی اداری و خصوصی‌سازی و حذف حمایت‌گرایی و تشویق تجارت آزاد است. دسوتو را می‌توان نسخه جهان‌سومی فردریک هایک دانست.

دسوتو از بخش‌های خارج از قانون حمایت می‌کند چون آنها را راهی به توسعه اقتصادی می‌داند. به‌نظر دسوتو بخش‌های فقیر جامعه، دارایی‌ها و سرمایه‌های اقتصاد و نه بدهی و هزینه هستند. درحالی که بسیاری از مدیران دولتی و گروه‌های ثروتمندان نظری مخالف داشته و معتقدند چنین مشاغلی، جلوه‌ها و نمادهایی از توسعه‌نیافتگی بوده و برای رسیدن به توسعه اقتصادی باید آنها را محو و نابود کنیم.

دسوتو از مقررات‌زدایی، رفع تبعیض و قانونی‌سازی شتابان، به‌عنوان راه‌حل برای اکثر فعالیت‌های تجاری غیرقانونی و غصب زمین^۱ نام برده و استدلال می‌کند. فقرا، قربانیان بوروکراسی بیش از حد و یک نظام قضایی ناکارآی ناامیدکننده هستند. اما بسیاری از طبقات فرادست و سطح بالای پرو، سرکوب بیشتر این گروه‌های غیرقانونی را ترجیح می‌دادند.

دسوتو در سال ۲۰۰۰ کتاب «راز سرمایه»^۲ را نوشت. او در این کتاب نیز سعی کرده است دلایل فقر جهان سوم را تشریح کند. دسوتو می‌گوید ما مدل اقتصاد بازار را وارد کردیم و فکر می‌کردیم این مدل همراه خود شکوفایی اقتصادی و ثروت می‌آورد؛ اما چنین نشد. من با اعداد و ارقام به این نتیجه رسیدم که ما هم تولید می‌کنیم. فقرای کشور ما سخت کار می‌کنند و انسان‌های کارآفرین فراوانی در اختیار داریم. اما در این میان آنچه غایب است، نظام حقوقی و چارچوب نهادی است که این وضعیت، امکان به‌کار گرفتن ثروت را فراهم نمی‌کند. پیشنهاد دسوتو به دولتمردان جهان سوم این است که با انجام بازبینی کامل در نظام حقوقی، این امکان را فراهم آورند که کشورهایشان بتوانند حقوق مالکیتی منطبق با قانون در مورد تصرف دارایی و ایجاد سرمایه داشته باشند.

1. squatting

۲. هرناندو دسوتو، *راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب پیروز شد و در جاهای دیگر شکست خورد*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.



۳. تأسیس مؤسسه آزادی و دموکراسی در پرو

هرناندو دسوتو در نوامبر ۱۹۷۹ در میانه گذار از حکومت نظامیان به حکومت غیرنظامی و در زمانی که همایش «دموکراسی و اقتصاد بازار» را در شهر لیما برگزار کرد، در صحنه اندیشه‌ورزی پرو ظاهر شد. این همایش به صورت یک تمرین قدرت‌نمایی جناح راست دموکراتیک در سیاست پرو عمل کرد و تریبونی شد تا فردریک هایک به جامعه روشنفکری پرو معرفی شود. همایش مذکور منجر به تأسیس مؤسسه آزادی و دموکراسی^۱ در لیما در ماه می ۱۹۸۰ تحت رهبری دسوتو شد که تعداد زیادی از روشنفکران و سیاستمداران سرشناس پرویی به عنوان مدیر، عضو شورا و بانی در آن حضور داشتند. متعاقب آن ILD با پشتیبانی مالی بنیاد کنراد آدنauer از حزب دمکرات مسیحی آلمان، گزارش‌های همایش را در کتابی منتشر کرد و اقدام به برگزاری دومین همایش با عنوان «تأملاتی در وابستگی و توسعه» در نوامبر ۱۹۸۱ و نیز انتشار گزارش‌های نشست‌ها در قالب کتاب کرد. در رویداد دوم از همه طیف‌های فکری داخل و خارج پرو دعوت شده بود.

مؤسسه آزادی و دموکراسی کار خود را به شکل مؤسسه‌ای کوچک شروع کرد که از گاراژ منزل دسوتو با یک همکار پژوهشی، یک منشی و چند پژوهشگر مدعو پاره‌وقت تشکیل می‌شد. در اواسط دهه ۱۹۸۰ با کمک بنیادهای علمی توسعه‌ای خارجی، موفق به جذب منابع مالی قابل توجهی شد. به تدریج تعداد کارکنان مؤسسه افزایش یافته و به یک سوئیت از واحدهای اداری اجاره‌ای و سپس به دو عمارت

1. Institute for Liberty and Democracy (ILD)

اعیانی مجاور در محله میرافلورس پرو نقل مکان کرد. مؤسسه مذکور در سال ۱۹۹۰ به حدی رشد کرد که حدود ۷۵ کارمند تمام‌وقت و بودجه سالیانه حدود ۱/۵ میلیون دلاری داشت. این مؤسسه تاکنون سه کتاب راه دیگر، راز سرمایه و یک تک‌نگاری درباره دست‌فروشی در لیمای، ۶ کتابچه درباره مسائل اجتماعی - حقوقی در مجموعه اسناد کاری و تعداد زیادی جزوه، پوستر، اعلامیه عمومی، پیشنهاد و بیانیه منتشر کرده است. همه نشریات مؤسسه به‌استثنای دو کتاب، بدون نام نویسنده، و فقط با نشان ILD منتشر شده‌اند. دسوتو در دهه ۱۹۸۰ به یک چهره بین‌المللی تبدیل شد که در همایش‌های مختلف سخنرانی می‌کرد و اندیشه‌ها و پژوهش‌های مؤسسه را نشر می‌داد. او سرشار از سرزندگی، خوشبینی و «روحیه می‌توانیم انجام دهیم» بود که دائماً پیام‌ها و نمونه‌های راه دیگر را تکرار می‌کرد.

کتاب راه دیگر، اثری چندبعدی و چندکارکردی با تفسیری جهانی از واقعیات آمریکای لاتین بود. در کتاب آمارهای گوناگونی ذکر شده است که معمولاً از پژوهش‌های مؤسسه آزادی و دمکراسی اخذ شده اما از هیچ فرمول ریاضی استفاده نکرده است. کتاب برای مخاطب عام نوشته شده است. قالب اصلی نمایش‌دهی به‌صورت تصاویر است و تا حد امکان سعی شده تا زبان فنی و اصطلاحات مرسوم علوم اجتماعی در آن به‌کار نرود.

کشور پرو در تاریخ معاصر خویش دو انقلاب را تجربه کرد. یک انقلاب که شکست خورد انقلاب گروه تروریستی مائویست «راه درخشان» بود که با شورشی در ۱۹۸۰ آغاز شد؛ اما انقلاب دیگر به موفقیت رسید و توسط کارآفرینان غیررسمی



خارج از قانون در هر شهری در این کشور انجام شد که برای رسیدن به زندگی بهتر، کار و تلاش می‌کنند.

تاریخ انقلابی که از نظر نظامی و سیاسی شکست خورد و تاریخ انقلابی که قطعاً یکی از موفقیت‌های درخشان و باعظمت زمانه ما بوده است.

یک همزمانی تصادفی این است که مؤسسه آزادی و دموکراسی فعالیت علنی خود در پرو را در ۱۹۸۰ شروع کرد و این همان سالی که جنبش چریکی متعصب مائویست «راه درخشان»^۱ نیز شورش مسلحانه ملی خود را آغاز کرد. البته این هم تصادفی نیست که *راه درخشان* و *راه دیگر*، ۵۰ درصد تشابه اسمی دارند. کتاب *راه دیگر* دست‌و‌پا تا حدودی به‌عنوان پاسخی به *راه درخشان* نوشته شد که راهی صلح‌آمیز به توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی است. این واقعیت که *راه درخشان* از چپ سیاسی افراطی آمد، هرچند که از سوی اکثر سیاستمداران جناح چپی معتدل محکوم شد، کتاب دست‌و‌پا را نه فقط پاسخی از طرف راست‌گراها بلکه به‌عنوان صدای عقل در مواجهه با افراط‌گری متعصبانه جلوه می‌دهد.

دست‌و‌پا در *راه دیگر*، نگاهی فوق‌العاده گسترده و تا حدی سطحی از تاریخ جهان ارائه می‌دهد. او گذار ساده‌ای از فئودالیسم به مرکانتیلیسم و سپس از مرکانتیلیسم به اقتصاد بازار را مفروض می‌گیرد و توسعه‌نیافتگی را به در ماندگی برخی کشورها در رهایی یافتن از نظام مرکانتیلیستی ربط می‌دهد. او مرکانتیلیسم را مرحله گذار بین فئودالیسم و سرمایه‌داری می‌داند که تشکیلات دولتی و اقتصاد تحت سلطه

انحصارات قدرتمند و گروه‌های با منافع خاص (تشکل‌های بازتوزیعی یا رانت‌جوی در خدمت منافع شخصی) است، به طوری که اجازه نمی‌دهند «بازار آزاد» به وجود آید. کنار گذاشتن نظام مرکانتیلیسم به نفع نظام سرمایه‌داری (اقتصاد بازار)، مرحله مهم در روشنگری جامعه است که امکان جهش به رشد اقتصادی خودپایدار و بهبود رفاه عمومی را فراهم می‌کند. از نظر دسوتو، این گذار نتیجه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های جدید دولت برای تحریک رشد نبوده، بلکه نتیجه نقش افراطی دولت در قانونگذاری بود. پس باید کنترل دولت بر اقتصاد کاهش می‌یافت تا کارآفرینی و رقابت بازار آزاد شکوفا شود. او معتقد است به محض اینکه این امر در سطح وسیعی محقق شود، طبقه جدید کارآفرینان ظاهر می‌شود، موازنه قدرت سیاسی به صورت دائمی به نفع کسب‌وکارهای کوچک تغییر کرده و شکوفایی حرفه‌های جدید و نوآوری فناورانه به وجود می‌آید. دسوتو معتقد است سقوط مرکانتیلیسم و ظهور قطعی اقتصاد بازار در اروپای غربی و آمریکا بین ۱۸۷۰ و ۱۹۱۴ رخ داد.

کتاب راه دیگر به پدیده انقلاب غیررسمی‌ها اختصاص دارد. این کتاب تلاشی نظام‌مند برای تجزیه و تحلیل واقعیت آمریکای لاتین از منظر بازار آزاد است. فرض کتاب این است که برخلاف تصور رایج، سرمایه‌داری مردمی در آمریکای لاتین وجود دارد و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند معمولاً در آمارهای اقتصادی به صورت غیرقانونی طبقه‌بندی می‌شود. این فعالیت‌ها که در غیاب حمایت‌ها و ضمانت‌های قانونی صورت می‌گیرند، غیرقانونی هستند، اما مجرمانه یا جنایتکارانه نیستند؛ به این دلیل که هدف چارچوب قانونی پرو، حفظ و گسترش امتیازات و سنت‌های اجتماعی است که به



عده‌ای اندک تعلق می‌گیرد و البته به زیان اکثریت محروم است. وی نظام حاصله را مرکانتیلیست می‌نامد که در واقع یک تشکل ضددمکراتیک سرمایه‌داری است.

نتیجه‌گیری^۱

فعالیت‌های علمی و پژوهش‌های میدانی هراندو دسوتو دو پیام کلیدی و مهم برای شرایط امروز اقتصاد ایران به سیاستگذاران و تصمیم‌سازان اقتصاد ایران دارد:

۱. تا جایی که می‌توانید بنگاه‌های فعال در اقتصاد زیرزمینی، پنهان و غیررسمی را تشویق کنید تا رسمی شوند و از بخش سایه بیرون بیایند.

تمایل بنگاه‌ها و شرکت‌های کوچک و خرد ایرانی به فعالیت پنهانی و زیرزمینی، هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است برای آنها منافی در حد فرار مالیاتی ایجاد کند، اما در بلندمدت آنها را از امکانات بزرگ شدن محروم می‌کند. امکاناتی نظیر شرکت در نمایشگاه‌ها، جذب سرمایه در فرآیندهای رسمی و

«رسمی کردن» در واقع آن دسته از شرکت‌هایی را هدف می‌گیرد که خرد هستند و به دلیل محروم ماندن از منافع ثبت و فعالیت‌های رسمی، نمی‌توانند به حد کافی بزرگ شوند و در نتیجه در سال‌های اولیه تولد، می‌میرند.

اگر یک مشکل مهم اقتصاد ایران را «بزرگ نشدن» شرکت‌های کوچک بدانیم، تشویق شرکت‌های کوچک به خروج از زیرپله و رسمی شدن، در واقع راه‌حلی کلیدی

۱. نتیجه‌گیری توسط مدیر گروه مطالعات محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته شده است.

برای حل این معضل اساسی اقتصاد ایران است. راه‌حلی که رشد اشتغال و رشد سرمایه‌گذاری را در سطحی وسیع برای اقتصاد ایران به ارمغان خواهد آورد.

۲. از حقوق مالکیت به‌طور همه‌جانبه و حداکثری دفاع و آن را تضمین کنید.

در کشور ما عمدتاً از عبارت «حقوق مالکیت»^۱ مفهوم حقوق مالکیت معنوی برداشت می‌شود. ظاهراً به این دلیل که در کشور ما به این مفهوم میان‌رشته‌ای، فقط پژوهشگران و محافل علمی حقوقی پرداخته‌اند و محافل علمی اقتصادی به آن بی‌توجه بوده و هستند.

منظور دسوتو و رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار از تضمین حقوق مالکیت، این است که حق بهره‌برداری انحصاری مالک هر منفعت یا کالا، توسط حکومت به رسمیت شناخته و کاملاً تضمین شود به‌نحوی که اگر به مال (اعم از فیزیکی یا معنوی) کسی تعرض شد، شاکی بتواند در مراجعه به دادگاه با حداقل هزینه و وقت، حقوق خود را (به همراه هزینه‌های پیگیری) دریافت، متجاوز را تنبیه و از تکرار تجاوز پیشگیری کند.

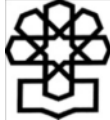
نگاهی به مراحل دادخواهی و کیفیت و مدت رسیدگی به دعوای نظیر پرونده‌های چک، مالک و مستأجر، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... در دادرسی‌های امروز ایران نشان می‌دهد در کشور ما از نظر تضمین‌های حقوق مالکیت با حالت ایدئال فاصله قابل توجهی وجود دارد.



شاید تعبیر بودجه‌ای پیام اصلی دسوتو به سیاستگذاران ایران این باشد که ایجاد زیرساخت‌های راه و برق و سد و... مهم هستند اما «حقوق مالکیت» نسبت آنها اولویت بسیار بیشتری دارد. اگر حکومت «حقوق مالکیت» را تضمین کند، بخش خصوصی وارد میدان می‌شود و با سرمایه خود برای کشور راه و برق و سد و... خواهد ساخت. بنابراین تا وقتی از نظر استانداردهای تضمین حقوق مالکیت، به حد مطلوب نرسیده‌ایم، در تخصیص بودجه عمومی کشور باید به تجهیز و کارآمدسازی کلانتری‌ها و دادگاه‌ها توجه ویژه‌ای شود و نیازهای بودجه‌ای‌شان برطرف گردد.

منابع و مأخذ

در متن نوشتار، به صورت پاورقی ذکر شده است.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۱۱۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آموزه‌های هرناندو دسوتو در تضمین حقوق مالکیت و رسمی کردن کسب‌وکار (درس‌هایی برای اقتصاد ایران)

نام دفتر: مطالعات محیط کسب‌وکار

تهیه و تدوین: جعفر خیرخواهان

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: احمد مرکزمالمیر

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق مالکیت

۲. اقتصاد غیررسمی

۳. حقوق و اقتصاد

۴. محیط کسب‌وکار

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۲۶